سؤالاتی مربوط به بحث:

(53:34)

شاگرد: اگر سلطان، اعلامِ عید را برای خودش قرار داده باشد و یک عده بخواهند زیر زمینی و جدا برنامه ریزی بکنند و از کسی دیگر بپرسند این موجبات غضبش را به بار نمی آورد؟ مثلاً زمانی که صدام بود حتی برای پول انداختن در ضریح می پرسیدند ایشان می گفت این سؤال ها را از من نپرسید. من شرایط جواب دادنش را ندارم. آنوقت ابوابی ما داریم که اصلاً در آخر بحث چیزی هم آورده اند.

استاد: نه آنها برای اوّل ماه است که حضرت فرمودند: أعلمُ انّه الشهر المبارک...

شاگرد: این طرفش را هم به نظرم من دیده ام

استاد: مانعی ندارد فردا بیاوری ببینیم. شیعه در حال تقیه بوده و این فرمایش شما منافاتی ندارد با اینکه کسی که در حال تقیه است انگیزه اش قوی تر می شود که بیاید دَوَران را بپرسد.

شاگرد: خودِ سؤالش نفی تقیه است

استاد: بعداً خصوصی می پرسیدند؛ همه تقیه های شیعه چگونه بود؟ خصوصی از ائمه می پرسیدند و بعداً برای آیندگان می گذاشتند. می گفتند آن روایت تقیه است و این [واقع] است. خب خودشان خصوصی بپرسند بینِ خودشان هم بگذارند به عنوان روایت بگویند وقتی دَوَران شد حرام است، سلطان گفته، گفته باشد.

شاگرد۲: اگر فرض بگیریم که حرمت صوم عید فطر علاوه بر حرمت تکلیفی حرمتِ وضعی هم داشته باشد مثلاً کفاره ای برایش مقرر شده بود و بعداً کشف خلاف می شد در همین فرض باید کفاره را بدهد ای نه؟

استاد: یعنی خودِ شارع قرار داده بود ای او نذر کرده بود؟

شاگرد۲: خودِ شارع قرار داده بود. شما به تناسب حکم و موضوع بینِ وجوب و حرمت فرق گذاشتید

استاد: شما می خواهید تأیید کنید عرض من را ای در کنید؟

شاگرد۲: می خواهم در کنم

استاد: بسیار خوب، شارع فرموده بود: من صام اوّل شوال فعلیه کفارة، حالا فرض می گیریم [در تشخیص عید] اشتباه کردند یعنی باید کفاره را بدهند.

شاگرد۲: بله، این تناسب حکم و موضوع که فرمودید در وجوب داریم چون آنجا قضا دارد...

استاد: اگر اینطور دلیلی که شما می فرمایید دارم کاملاً موافقم به اینکه بگویند اگر مسلمین اشتباه کردند لهم أن یکفّروا، چرا؟ چون عید فطر را روزه گرفته اند. اگر چنین چیزی باشد این دلیل اثباتی است دال بر اینکه اثبات اصلاً نزد شارع در موضوع اخذ نشده و لذا من عرض کردم ادلّه اثباتیه را ما باید نگاه کنیم. اگر چنین چیزی داشته باشیم قبول است خودش دلیل است بر اینکه شارع می فرماید من آن موضوع ثبوتی را در نظر گرفته ام و باید کافره بدهد.

شاگرد۲: این فرقی که بین وجوب و حرمت گذاشتید به نظرم برای این باشد عینی وجوب چون قضا دارد و حکم وضعی دارد تفاوتش بخاطر این است

استاد: همین فرمایش را شما اگر با ادله اثباتیه بالفعل بیاوردی مثلاً روایت میگوید اگر عید فطر کسی [روزه] گرفت باید کفاره بدهد. بعداً اشتباه کردند و روز سی ام را گرفتند اینجا آیا متشرعه می گویند باید [کفاره] بدهیم یا می گویند ما که نمی خواستیم روز عید را روزه بگیریم بین رسول الله حالا چه کنیم؟ حضرت می فرمایند: لیس علیک أن تکفّر انّما یجب التکفیر علی من صام عمداً. اگر اینطوری بود شما چه می فرمودید؟

شاگرد۲: من می خواستم ارتکاز مشرعه را عرض کنم والاّ این که مسلّم است

استاد: بسیار خوب، پس میشه که حکمی وضعی است اما به اضافه تعمّد پس حتی اگر حکم کفاره هم ثبوتی باشد فرمایش شما امر را تمام نمی کند چون وجوب تکفیری خودش حکم جدیدی است و موضوع جدید می خواهد می تواند شارع در موضوع وجوب تکفیری، تعمّد را اخذ کند ولو در موضوع حرمت صوم عید فطر نکرده باشد. نمی توانیم از این ملازمه بطور منجّز آن را استفاده کنیم. اگر دلیلی بود که می گفت باید همه کفاره بدهند قبول است و بطور روشن دلالت داشت که نوع ثبوتی در موضوع را شارع اخذ نکرده[d1]

[d1]در دقیقه58:36 اینطور فرمودند ولی شاید سبق لسان شده و " اخذ کرده" مقصود باشد.

بازبینی #1
ایجاد شده 5 فوریه 2026 12:22:35 توسط ... .
به روزرسانی شده 5 فوریه 2026 12:25:11 توسط ... .